



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد



۲۰۱۹/۰۶/۱۴

نجیب داوری

## کنکاشی بر حادثه قتل احمد ظاهر یا اسطوره موسیقی افغان زمین

احمد ظاهر بعد یک دهه واندی فعالیت پربار هنری و سرودن ده ها ترانه ماندگار و آهنگ های دل انگیز درست چهل سال قبل از امروز در جوانی و اوج فعالیت هنری از دنیا رفت، در حالیکه در صورت زنده ماندن میتوانست خدمات فوق العاده ارزشمند به فرهنگ و موسیقی افغانستان نماید. مرگ نابهنگام احمد ظاهر داغ بزرگی بر پیکر هنر موسیقی افغانستان و تأثیر عمیق بالای علاقمندان اش در بقیه کشورهای دری- فارسی زبان بجا گذاشت. طی چهل سال اخیر کسانی گفتند که احمد ظاهر را کشتند، و تعدادی هم بر این باور اند که احمد ظاهر نه در اثر قتل عمدی، بلکه در یک حادثه ترافیکی جانش را از دست داد. در بحث حاضر چگونگی واقعیت ماجرا را از برداشت شاهدان قتل احمد ظاهر و ناظرین اوضاع آنروز به بررسی میگیریم.

آنها نیکه ادعا دارند احمد ظاهر نه با توطئه حفیظ الله امین بلکه در اثر حادثه ترافیکی به قتل رسید - دلیل میآورند در حالیکه حفیظ الله امین شخصیت های سرشناس و طراز اول رژیم شاهی، رژیم جمهوری داوود خان و حتی رفقای حزبی اش بشمول نورمحمد تره کی منشی عمومی حزب برسر اقتدار خلق را بدون کدام واهمه و بدون هرگونه قرینه سازی و تشویش به قتل رساند، برای قتل احمد ظاهر نیز ضرورت به کدام توطئه، دسیسه یا قرینه سازی نداشت، بلکه میتوانست احمد ظاهر را نیز بمانند بقیه شخصیت های سرشناس آنوقت دستگیر و بعد هم در قبر های دسته جمعی زنده یا مرده زیر خاک نماید.

اما تعداد دیگر به این باور اند که احمد ظاهر بنا به پلان قبلی و توطئه دولت وقت با خدعه ونیرنگ به طرف ولایت پروان، شهر چاریکار و بعد هم به احوالی سالنگ کشانیده شده و بعد با شلیک گوله به قتل رسیده است. و دلیل میآورند اگر موثر حامل احمد ظاهر با سرعت بالا تصادم نمود که باعث قتل یک سرنشین شد، چرا بقیه سرنشینان بخصوص درایور موتر- جان سالم بدر بردند.

طی چهل سال اخیر دولت های بسیاری آمدند و رفتند، ولی هیچکدام در امر روشن ساختن قتل احمدظاهر کدام اقدام ملموسی نکردند. اما از چندی بدینسو تلویزیون بهار به کوشش محترم احمد شاه راستا با پیگیری موضوع و اجرای چندین مصاحبه ارزشمند بسیاری از نکات تاریک ماجرای مرگ احمد ظاهر را روشن ساخته است.

در میان شخصیت های که به این ارتباط همراهِ شان مصاحبه صورت گرفته است، محترم محمد اسمعیل میهن فدا - محشور نکات تاریک توطئه یا عدم توطئه قتل احمد ظاهر را روشن و بسیاری از توهمات حادثه مذکور را برطرف میکند. از جمله اینکه "سید داود ترون داماد پرگل نه، بلکه داماد شخص دیگری بنام بختیار گل بوده است؛" بدین معنی که خلاف افواها و باورهای بسیاری، ترون باجه احمد ظاهر نبوده است. بناً تمام افواها به ارتباط اجرای توطئه قتل احمد ظاهر توسط سید داود ترون نادرست و غلط میباشد.

همچنان محترم میهن فدا محشور اظهار میدارد که "دوسیه مربوط به قتل احمد ظاهر را شخصاً دو بار در ریاست ترافیک کابل ملاحظه نموده است." اما متأسفانه که دولت های برسر اقتدار آنوقت روی ملحوظات پیدا و ناپیدا نکات عمده و اساسی دوسیه مذکور را به اطلاع مردم نرسانیدند، تا مردم به حقایق قتل تنها هنرمند و آواز خوان برجسته قرن بیست در افغانستان، آگاه و هرگونه شایعات و حرف های اضافی در مورد منتفی میگردد؛ مسلماً که بعداً در خلال جنگ های تنظیمی در جریان دهه نود میلادی در حالیکه چهار راهی دهمزنگ - جائیکه در آنجا ریاست ترافیک کابل موقعیت داشت، خط اول تلاقی جنگ میان دولت وقت و حزب وحدت عبدالعلی مزاری بود، تقریباً تمامی اسناد دوسیه های جرایم ترافیکی از جمله دوسیه قتل احمد ظاهر از بین رفته است.

بناً به اساس حرفهای محترم میهن فدا محشور و محترم محبوب الله پاچا دوست فامیلی احمد ظاهر در مصاحبه های جداگانه با تلویزیون بهار، که دومی در هنگام حادثه ترافیکی با احمد ظاهر یکجا زخمی شد، و بسیاری از فاکت های

د پانو شمیره: له ۱ تر ۴

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينګه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

یادونه: دلیکنی د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رایرلو مخکې په خیر و لولئ

دیگر میپذیریم که احمد ظاهر نه به اساس کدام توطئه قبلی، بلکه بنا به غفلت راننده موتر بخاطر نوشیدن مشروب حین رانندگی، تصادم رخ داد که در نتیجه محبوب الله پاچا زخمی و بیهوش گردیده و احمد ظاهر بخاطر اصابت سیخی از داخل موتر پیشانی اش شکافته و کشته شد. هر چند محبوب الله ادعا دارد که بعد از تصادم بیهوش شده و اگر توطئه بی در کار بوده، از آن خبر ندارد، بلکه قضیه را باید از دو شاهد دیگر ماجرا که سر حال بودند، پرسید. بنا می پذیریم که احمد ظاهر نه به اساس توطئه بلکه بنا به حادثه ترافیکی کشته شد، اما سوالات ذیل در مورد بی پاسخ میماند

- میله شیشه عقب بین موتر بیشتر متوجه دریور است تا مسافر در حالیکه بنا به گفته محبوب الله پاچا احمد ظاهر در سیت عقب نشسته بود، در هر حالت در صورتیکه اگر موتر با هر سرعتی تصادم کند، با آنکه مسافر سیت عقبی با فشار زیاد یا کم نظر به سرعت موتر به جلو کشیده شده و به سیت جلو برخورد میکند، مگر سیت جلو مانع کشیده شدن مسافر به سمت جلو و برخورد وی به شیشه جلو موتر و آئینه عقب بین دریور میشود. اما اینکه چرا و چطور احمد ظاهر از سپر سیت پیشرو گذشت و سرش به آئینه عقب بین دریور اصابت کرد، سوالی است لاینحل. مگر اینکه بقیه شاهدان صحنه در مورد روشنی اندازند.

- تجربه حادثات ترافیکی نشان داده است که در صورت تصادم موتر به مانع بی از طرف مقابل، گاهی سر دریور یا مسافر به آئینه عقب بین تصادم می نماید، که اکثر در چنین موارد آئینه عقب بین شکسته و باعث جراحت سر دریور یا مسافر میگردد ولی محال است که سیخ نگهدارنده شیشه مذکور به پیشانی و یا هم سر سرنشین یا مسافر فرو رود. آنهم در صورتیکه سیخ مذکور از جنس فلز باشد نه پلاستیک. ولی در هر دو حالت خود شیشه وقاب آن سپر بسیار قوی است که مانع عبور میله و فرو رفتن آن به بدن سرنشین میگردد.

- گفته میشود که موتر حامل احمد ظاهر و دوستان اش به سنگ بزرگی در جناح چپ سرک برخورد کرد، اما همزمان ادعا میشود که موتر به دیوار سنگی «که در زمان جمهوری داوود خان بخاطر مصونیت وسایل نقلیه اکثراً در دو جناح سرک بالای پل ها و پلچک ها تعمیر میگردد» برخورد و یکی از سیخ های ساختمانی که از دیوار پلچک مذکور بیرون آمده بود به شیشه جلو موتر اثابت و بعد از شکافتن شیشه موتر به پیشانی احمد ظاهر برخورد و وی را در جا کشت. بخاطر اثبات این موضوع باید طول سیخ مذکور بیشتر از دو متر بوده باشد و امتداد آنهم باید نه بصورت عمودی بلکه بصورت افقی بوده باشد، تا از بالای بانگ موتر گذشته و بعد از تصادم به شیشه موتر یکمتر دیگر جلو رفته تا به سر احمد ظاهر در سیت عقبی موتر تصادم کرده باشد، که این امر کاملاً غیر ممکن است، زیرا اولاً امتداد چنین سیخی بطول دونیم یا سه متر باعث مزاحمت در عبور و مرور عابرین پیاده و وسایط نقلیه میگردد، که پرسونل ساختمانی آنرا به آن حالت نمیگذاشتند، ثانیاً سیخ های ساختمانی با چنین طول لرزش داشته، که در صورت برخورد به شیشه موتر با در نظر داشت لغزنده گی شیشه موتر باید سیخ مذکور از به طرف بالای موتر لغزیده و از بالای آن رد شده باشد.

- ادعای دیگری وجود دارد که گویا سیخ المونیومی سایه گیر دریور در هنگام تصادم به زاویه ۹۰ درجه باز شده و سیخ آن مستقیماً به سر احمد ظاهر فرو رفته است. اگر قبول کنیم که این حالت صورت گرفته باشد، باز هم در بسیاری از وسایط نقلیه قسمت اخیر سیخ سایه گیر مذکور بطول یک یا دو سانتیمتر به زاویه نود درجه خمیده گی دارد که مانع بیرون شدن پارچه یا قطعه سایه گیر از گیرای فلزی گردد، که به اساس آن، این فرضیه نیز کاملاً قابل رد است.

- دوکتوری که جسد احمد ظاهر را در شفاخانه پروان معاینه نمود، اذعان داشته است که سیخ فلزی به پیشانی احمد ظاهر به اندازه پنج الی شش سانتی متر فرو رفته بود، البته اظهارات داکتر موصوف نمیتواند سند قاطع در امر فرو رفتن سیخ به پیشانی احمد ظاهر «که در آنوقت سیخ شیشه عقب نمای دریور ادعا میشد» باشد. با آنکه هویت داکتر مذکور، داکتر محمد شریف عثمانی رئیس شفاخانه ولایت پروان ذکر شده است، اما از کجا معلوم که در شرایط اختناق آنوقت داکتر موصوف تحت فشار چنین اظهاراتی نکرده باشد.

- چرا تا رسیدن هیئت فنی جنایی از کابل جهت بررسی محل حادثه، موتر حامل احمد ظاهر آنهم در ظرف دو الی سه ساعت از جایش بیجا و اثری از آن در محل دیده نمیشد؛ در حالیکه با در نظر داشت تصادفی با آن بُد و پهنه تا رسیدن هیئت بررسی محل حادثه از مدیریت ترافیک پروان یا از ریاست ترافیک کابل موتر مذکور نباید از جایش بیجا میشد.

- به گفته محبوب الله پاچا قبول میکنیم که حادثه ساعت یک بعد از ظهر اتفاق افتاد و محترم محشور اظهار میدارد که ساعت سه الی سه و نیم بعد از ظهر به محل حادثه رسیده بود، بنا اگر موتر حامل احمد ظاهر و دوستان

همسفر اش در جریان حادثه صدمه تخنیکي دیده باشد، بدون انتظار به حضور یا رسیدن هیئت بررسی محل حادثه از مراجع بالا رتبه ترافیک، بیجا کردن موتر مذکور در ظرف کمتر از سه ساعت با وسایل نقلیه کمکی آنهم در شرایط افغانستان غیر ممکن است. ولی اگر موتر به اصطلاح به پای خود حرکت کرده باشد، معلوم میشود که تصادم آنقدر قوی نبوده است که باعث مرگ و زخمی شدن سر نشینان میگردد.

● اگر قبول کنیم که سیخی از داخل یا بیرون موتر بنا به شدت تصادم به عمق پنج الی شش سانتیمتر به سر احمد ظاهر فرو رفت، پس باید شدت تصادم شدید بوده باشد. که در اینصورت همه سر نشینان موتر میبایست شدیداً زخمی و حتی سر نشینان سیت های جلو با شکستن شیشه مقابل به بیرون پرتاب میشدند، اما در حالی که احمد ظاهر در جا کشته شده و محبوب الله در اثر تصادم زخمی بیهوش شد، چرا بقیه دو سر نشینان جان سلامت بردند؟

● محترم محبوب الله پاچا اظهار میدارد که در جریان حادثه از هوش رفت و وقتی چشم باز نمود خود را در شفاخانه یافت. اما بنا به صحبت محترم محشور که قرار اظهارات شاهدان عینی که "همه سر نشینان افگار شده بودند اما یکی شان شدیداً افگار شده بود." از دید مردم عام هر کسی که بیهوش باشد شدیداً افگار شمرده میشود، در حالیکه مردم محل یک نفر را شدیداً افگار میشمردند؛ پس در اظهارات محبوب الله، با وجودیکه در اظهاراتش چهره حق بجانب را بخود گرفته است، شک وجود دارد.

● گفته های محبوب الله پاچا را میپذیریم که در جریان حادثه استخوان های قفس سینه اش شکسته و حتی برایش حسرت تنفس پیدا شده بود، اما ایشان اظهار میدارد که بعد از یک هفته از شفاخانه رخصت شد، سؤال در این است که آیا صحت یاب شدن مریضی که استخوانهای سینه اش شکسته باشد در ظرف یک هفته یا ده روز امکان پذیر است؟ و آیا داکتران معالج در چنین حالت به مریض اجازه رخصت از شفاخانه را میدهند؟

● چرا جسد احمد ظاهر جهت معاینه بیشتر و حتی اوتوپسی جهت آشکار شدن قضیه به طب عدلی کابل فرستاده نشد؟

● چرا مرگ احمد ظاهر بعنوان یک خبر کاملاً بی اهمیت در اخیر اخبار سرویس های پشتو و دری ساعت ۷ و ۸ شب ۲۳ جوزای ۱۳۵۷ از طریق رادیو و تلویزیون دولتی کابل منحیث یک خبر کاملاً بی اهمیت به نشر رسید؟ در حالیکه با در نظر داشت هنر و شخصیت احمد ظاهر این خبر باید در سرخط اخبار رادیو و تلویزیون جا داده میشد.

● محترم احمد شاه راستا مدیر مسئول تلویزیون بهار اظهار میدارد که برای روش شدن قضیه چندین بار به دوشاهد دیگر حادثه قتل احمد ظاهر جهت مصاحبه مراجعه نموده است، ولی آنها هرگز حاضر به مصاحبه نمیشوند، بناً اگر خاری در کفش ایندو شاهد یا خانم نباشد، چرا ایشان به مصاحبه حاضر نمیشوند؟

● در پهلوی اینها شایع است؛ در حالیکه تعداد زیادی از مردم بخصوص جوانان صبح روز ۲۴ جوزای ۱۳۵۸ هجری شمسی بخاطر حمل تشیع جنازه احمد ظاهر نزدیک خانه پدر وی تجمع نموده بودند؛ خیال محمد کتوازی وزیر اطلاعات و فرهنگ وقت به پدر احمد ظاهر زنگ زده و دستور داد که جنازه احمد ظاهر هر چه زود برداشته شود. زیرا دولت از تجمع مردم و شورش احتمالی ترس داشت.

بناً با در نظر داشت مطالب بالا حادثه قتل عمدی یا غیر عمدی احمد ظاهر هنوز هم در پرده ابهام قرار دارد، زیرا از یکسو ادعا میشود که حفیظ الله امین و شرکا بنواز نابودی شخصیت های شناخته شده و نخبه سیاسی، علمی و فرهنگی افغان نبوده و تعداد زیادی از این شخصیت ها را ظرف چند ماه نابود کردند، که درینصورت نابودی احمد ظاهر نیز بدون هرگونه قرینه سازی برای آنها کار مشکل نبود. از سوی هم با در نظر داشت فاکت های فوق الذکر و تناقضاتی های که در زمینه وجود دارد منطقاً نمیتوان قبول کرد که احمد ظاهر ضمن حادثه ترافیکی به قتل رسیده باشد. اما اگر چرخه بز نیم به سالهای ۱۳۵۷ و ۱۳۵۸ خورشیدی؛ بدین نتیجه میرسیم که احمد ظاهر بعنوان هنرمند و آواز خوان مبتکر، خوش صدا و جذاب در حالی محبوب القلوب تعدادی زیادی از جوانان و خانواده های مرفعه و شهر نشین افغان بود، اما همزمان تعدادی از اعضای حزب بر سر اقتدار خلق به احمد ظاهر و طرفداران اش بدیده اشراف زاده نگر بسته و نسبت به آنها شدیداً کینه میورزیدند. در نخستین سالگرد جشن کودتای ثور و در اولین شب جشن مذکور گاهی که احمد ظاهر در کمپ وزارت مالیه کنسرت داشت شخصاً شاهد بدو بیراه گفتن خلقی ها علیه احمد ظاهر و بر چسب اشراف زاده و خائین نسبت به آرمانهای خلق بوی از سوی تعدادی از خلقی های حاضر در کنسرت بودم، آنهم بخاطر اینکه احمد ظاهر فقط یکساعت ناوقت یعنی ساعت ۹ شب به محل کنسرت حاضر شده بود. بناً چنین میتوان استنباط کرد، در حالیکه خانواده حفیظ الله امین بخصوص پسر و دختر حفیظ الله امین شدیداً علاقمند شخص و هنر احمد ظاهر بوده و از وی حمایت میکردند، ولی رده های پائین و قدرتمند حزب خلق طرح بدور از چشم حفیظ الله امین و خانواده وی با در نظر داشت کینه های پیدا و ناپیدای که نسبت به احمد ظاهر داشتند

پلان قتل ویرا ترتیب و بعد هم با قرینه سازی ویرا به قتل رسانیدند. زیرا با در نظر داشت حمایت خانواده امین از احمد ظاهر دشمنان کینه توز اشرافیت نمیتوانستند احمد ظاهر را علناً بازداشت و به قتل برسانند، بنأ بخاطر دوری از پیگرد امین اجرای توطئه قتل احمد ظاهر در مسیر راه کابل – مزار شریف بهترین گزینه برای آنها بوده است. با اینها و با آنکه در شرایط حاضر دولت افغانستان مصروفیت های زیادی دارد، بجا خواهد بود که مسئولین عدلی وقضایی کشور بعد از چهل سال، قبل از اینکه زمان بیشتر گذشته و شاهدان عینی حادثه قتل احمد ظاهر دنیار را ترک گویند؛ در امر سفید ساختن حادثه قتل اسطوره بی بدیل موسیقی افغانستان و بقیه کشورهای فارسی – دری زبان کمر همت بسته و حادثه قتل احمد ظاهر بدور از افواهاات وشایعات بصورت آنچه اتفاق افتاده ثبت آرشیف تاریخ کشور نماید.

پایان